



اتیکت

بازیابی پیام پاک‌شده؛ ایده خلاقانه یا آپشن غیراخلاقی؟

رفقا سلام!

فضای مجازی پره از اسکرین‌شات معلما از سوتی‌های بچه‌ها و گاف معلما توی صداها بی اشتباه‌ها که دانش‌آموزها ضبط کردن. خب دورهم به این اشتباه‌ها می‌خندیم ولی احساس ناامنی هم سراغ‌مون میاد. حالا بعضی معلم‌ها مجبور شدن فیلم یا صوت کلاسو چندین‌بار ضبط کنن تا هیچ تبقی ندانسته‌باشه و بعضی دانش‌آموزها از ترس پخش شدن اشتباه‌شون، سر کلاس مجازی نه سوال و نه اظهارنظر می‌کنن. کلاس درس، حریم ماست و نباید به بهانه خندیدن، ناامنش کنیم.

شماره پیامک ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
شماره تلگرام ۰۵۱۳۷۳۴۰۰۰
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۳۴۰۰۰

چت کردن در فضای مجازی تا همین چندوقت پیش، دست کمی از خنثی کردن بمب نداشت. پیام‌های اشتباهی برای آدم‌های اشتباهی، چه سوءتفاهم‌هایی که پیش نمی‌آورد. چقدر بابت پیام‌های عجله‌ای و هیجان‌زده‌مان که امکان متوقف کردنشان وجود نداشت، خجالت کشیدیم. اوه! غلط‌های ناخواسته نگارشی چه آبروهایی که ازمان‌نبرد! اوضاع حسایی شیرتوشیر بود که امکان پاک کردن پیام به نرم‌افزارها اضافه‌شدو خیالمان را راحت کرد. داشتیم به‌خوبی و خوشی، زندگی‌مان را می‌کردیم که سروکله امکان «بازیابی پیام‌های پاک‌شده» پیدا‌شد. حالا دوباره همان سوءتفاهم‌هاو خجالت کشیدن‌ها و آبرورفتن‌ها! چرا؟ درست است که در زندگی واقعی، آدم‌ها نمی‌توانند حرف‌شان را پس بگیرند و اشتباه‌شان را از ذهن طرف‌مقابل پاک کنندولی این امکان در فضای مجازی به کمک ما آمد تا روابط بی‌تنش‌تری داشته‌باشیم. گاهی توی عصبانیت پیام غیرمنصفانه‌ای برای دوست‌مان می‌فرستیم. خب خیلی عالی است که وقتی خشم‌مان فروکش می‌کند، می‌توانیم آن پیام را پاک کنیم و دوست‌مان را نرنجانیم. حالا این چه آپشنی است که پیام‌های پاک‌شده را نشان می‌دهد؟ وقتی کسی پیامی را پاک می‌کند، یعنی از نوشتن آن پشیمان شده‌است. بنابراین تنها هیچ ضرورتی ندارد که از عامل این پشیمانی باخبر بشویم بلکه حتی می‌شود گفت که غیراخلاقی است. پیام‌ها وقتی هنوز به دست ما نرسیده‌اند، مثل حرف‌های نگفته‌اند. اصرار ما برای خواندن پیام‌های پاک‌شده مثل این است که دیگران را مجبور کنیم چیزهایی را که دوست ندارند به ما بگویند.

پرونده‌های مجهول

مخترع دوربین فیلم برداری چطور ناپدید شد؟

درباره ماجرای غم‌انگیز «لوپرنس»، یکی از مشهورترین وقایع تاریخ سینما چه می‌دانید؟



فاطمه قاسمی | روزنامه نگار

پیشرفت‌هایی که به‌نام افرادی خاص نسبت داده می‌شوند، در تاریخ آن قدر تکرار شده‌اند که نام فرد و اختراعش جدایی‌ناپذیر است. مثلاً اگر از کسی بپرسند که مخترع دوربین فیلم برداری کیست، به‌احتمال زیاد نام «توماس ادیسون» را بر زبان خواهند آورد. کمتر کسی می‌داند اختراعی که اکنون صنایع بزرگ فیلم‌سازی و کاربران خانگی به آن وابسته‌اند، در اصل متعلق به فردی است که تا این لحظه ماجرای ناپدیدشدن پیردو نشانیش، رازی سر به‌مهر است. در مجهول این هفته به ماجرای این مخترع گم‌شده می‌پردازیم.

گمنامی عجیب کسی که می‌توانست فوق‌العاده مشهور باشد

«لویی امه اوگوستن لوپرنس» نقاش و عکاسی بود که از مایش هایش را با دوربین فیلم برداری از سال ۱۸۸۰ شروع کرد. او در سال ۱۸۸۸ موفق به ساخت دوربینی نسبتاً کامل در «لیدز» انگلستان شد. برای تمام کردن کار، ر سیدن به فناوری ضبط و چاپ تصاویر پیاپی به‌وسیله یک دستگاه نمایش آن روی پرده بزرگ باقی مانده‌بود و این‌ها خیلی قبل از اختراع دوربین فیلم برداری به‌دست توماس ادیسون و کارمهم برادران لومیر بود. لوپرنس سعی داشت دوربینش را پیشرفته‌تر کند و تا سال ۱۸۹۰ به تمام اصول اساسی فیلم برداری و نمایش فیلم دست پیدا کرده‌بود. او قصد داشت خیلی زود این دوربین را در مراسمی برای دیگر رقبا و مخترعان رونمایی کند اما تصمیم گرفت پیش از این کار سری به فرانسه بزند تا به برخی کارهای عقب افتاده‌اش بپردازد و برادرش را در شهر «دیژون» ملاقات کند. روز شانزدهم سپتامبر ۱۸۹۰ بعد از برگشت از دیژون و خدا حافظی با برادرش در ایستگاه راه‌آهن دیگر هرگز کسی نه لوپرنس را دید و نه هیچ ردی از او! «قطار در میانه راه هیچ توقفی نکرده‌بود و مسافران هم گزارشی از اتفاق غیرعادی ارائه نداده‌بودند. پلیس فرانسه و خانواده‌اش تحقیقات مفصلی انجام دادند اما به نتیجه‌ای نرسیدند. اگر لوپرنس ناپدید نمی‌شد، احتمالاً شهرت اولین مخترع دوربین فیلم برداری را به‌دست می‌آورد اما به‌جای او، ادیسون دوربینش را در سال ۱۸۹۳ معرفی کرد و پرنس به فراموشی سپرده‌شد.

بالتازار



چرا پیتزا این قدر خوشمزه‌است؟

مریم ملی | روزنامه نگار



پیتزا برنده‌است و علتش چیزی جز یک ترکیب طلایی نیست، یعنی چه؟ شما در کمتر غذایی می‌توانید نمک، قند و چربی را در کنار هم داشته‌باشید و آمیگدال‌های مغزتان را غافل گیر کنید. غیر از ترکیب شگفت‌انگیز این سه ماده خوراکی محبوب، پنیر پیتزا از آن چیزهایی است که هر غذایی را خوشمزه می‌کند. طعم پنیر پیتزا و میزان چربی‌اش آن را به یکی از اعتیادآورترین خوراکی‌ها تبدیل کرده‌است و وقتی یک بار امتحانش کنید، دیگر نمی‌توانید آن را کنار بگذارید و طعمش را از ذهن‌تان بیرون کنید. دلیل دیگر خوشمزه گی پیتزا، به ظاهر دلچسب و خوش‌آب و رنگش بر می‌گردد. قرمزی گوچه، سبزی فلفل دلمه‌ای، سیاهی زیتون و سفیدی پنیر و زردی ذرت در کنار هم دنیایی از رنگ‌ها را ایجاد می‌کنند که در کمتر غذایی دیده می‌شود. بوی نان برشته زیر مواد پیتزا هم می‌تواند از عواملی باشد که نمی‌گذار د مزه و عطرش به راحتی از ذهن‌مان پاک شود و همیشه غذای محبوب‌مان باشد.

« آمیگدال: بخشی از مغز که در درک احساسات و پاسخ به آن‌ها نقش دارد و مسئول نمودهای هیجانی چهره مانند خوشحالی و ترس است.

کالری



عکس از: OviDPop

چهار فصل در یک قاب، رومانی

خودت بساز

بعد از مصرف دور نریزید!



مهسا فارسی | روزنامه نگار

دوستان خوب؛ ایده «خودت بساز» این هفته بسیار جذاب و دوست‌داشتنی است. البته شاید از قبل با آن آشنا بوده‌اید و برای‌تان جذابیتی نداشته باشد اما از آن‌جا که استفاده از وسایل دورریختنی و قابل بازیافت، همیشه جالب و کاربردی است، به‌نظرم رسید که آن را با شما در میان بگذارم. همان‌طور که از عکس‌ها مشخص است، قرار است برویم به سراغ قوطی‌های کنسرو خالی و بدون استفاده از آن‌ها به‌عنوان گلدان یا جامدادی یا هر چیز مشابه دیگر استفاده کنیم.

● همه‌آن‌چه نیاز دارید: قوطی کنسرو خالی، اسپری رنگ یا رنگ مایع، چسب نواری

نکته مهم درباره این جور قوطی‌های فلزی این است که پس از باز شدن در آن‌ها، ممکن است دورتادورش، لبه‌ای تیز و برنده ایجاد شود که کار با آن را سخت و خطرناک خواهد کرد. بنابراین لازم است برای از بین بردن این حالت، از ابزاری برای نرم کردن لبه‌های قوطی استفاده کنید.



می‌توانید کاغذ سمباده روی آن بکشید یا با استفاده از انبر دست یا هر ابزار مشابهی، لبه‌های تیز را بخوابانید و نرم کنید. برای این کار حتماً از کسی که تجربه بیشتری دارد، کمک بگیرید. در ادامه برای رنگ آمیزی قوطی‌ها به‌شکلی که در تصاویر می‌بینید ابتدا در مرحله اول، سطح را تا نیمه به یک رنگ درآورید و بعد چسب پهن را روی کار به شکل افقی یا اریب بچسبانید. در مرحله دوم کار را با رنگ دیگری انجام بدهید. به این ترتیب بعد از برداشتن چسب نواری، طرح منظمی از رنگ آمیزی‌تان خواهید داشت. یادتان باشد اگر از این ایده به‌عنوان گلدان گیاه طبیعی استفاده می‌کنید، انتهای قوطی چندتا سوراخ ایجاد کنید تا گیاه‌تان در زمان آبیاری دچار پوسیدگی نشود.

آثار شما

غم‌های تو

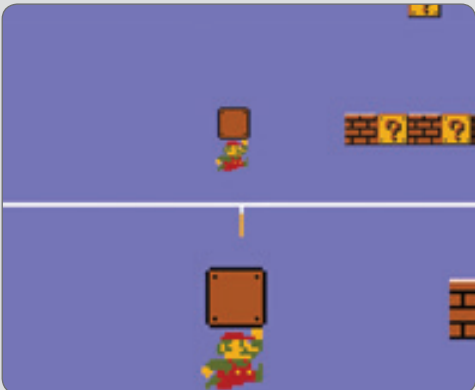
راضیه اکبرزاده



روزهای سختی بود؛ روزهایی که کتاب و دفتر و مداد جای‌شان را دادند به تفنگ. تعویض عادلانه‌ای نبود اما چه می‌شد کرد؟ جنگ تحمیل شده بود به بچه‌هایی که آرزوی مدرسه رفتن به دل داشتند و تهاجم ناجوانمر دانه دشمن نگذاشت آن‌ها بفهمند آسمان جای ستاره‌ها و باران بی‌نظیر است و نه آتش. هیچ‌کس نمی‌دانست چه اتفاقی دردمی افتد. اما تو چشم دوخته بودی به آن‌ها تا ببینی این بار چگونه به پای تو می‌مانند. تو مشغول تماشا بودی، تماشا می‌عاشق‌هایی که مجنون وار روی دیوار شاعر می‌نوشتند و مجنون‌هایی که فرهادوار در جبهه‌ها ر سم مردانگی و عشق بازی را به همگان آموختند. آن‌ها ثابت کردند که تو چقدر برای‌شان ارزشمندی. تو شاهد بودی با پرواز کردن هر یک از برادرانشان فریاد «... اکبر» در آسمان شهرهای پیچیدوراه شلمچه شلوغ‌تر می‌شد. من نبودم اما تو بودی و چیزهای زیادی شنیدی و دیدی. من نبودم ولی تو بودی و صدای مردم را در گوشه گوشه ذهنت به یادگار گذاشتی. اشک‌های مادران را یادمنت پاک کردی و دل سوخته‌شان را التیام بخشیدی. خون‌هایی را که نشان شجاعت بودند، بر پیکر خمی‌ات تحمل کردی ایران‌جان! من نبودم ولی تو بودی. تو بودی و اشک‌های بی‌پایانت در نمایش پرپر شدن‌شان. فدایبان تو نگذاشتند اشک‌هایت یا به میدان نبرد بگذار د، شره شود و سوزشش دل همه را پر کند از غصه و غم بزرگ تو! آن‌ها به پای دفاع‌شان از تو جان دادند. تو ماندی و غم‌های بی‌صدایت! باشد که همه فدایی تو باشیم.

دیدنی

چیزهایی که نمی‌دونی!



دکتر «ماربو»، آجرها را بادستش می‌شکست نه با سرش.



حلزون به دلیل داشتن ماده‌ای لزج در بدنش می‌تواند بدون زخمی شدن روی لبه تیغ حرکت کند.



دلفین‌های مادر وقتی باردار هستند، برای بچه‌تو شکم‌شان آواز می‌خوانند.



جمجمه ما وقتی هنوز دندان‌های شیری‌مان نیفتاده، این شکلی است.